

تحلیلی بر فقر شهری در استان کردستان

رحمت بهرامی* - استادیار گروه جغرافیا، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۶/۰۸

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۲/۱۸

چکیده

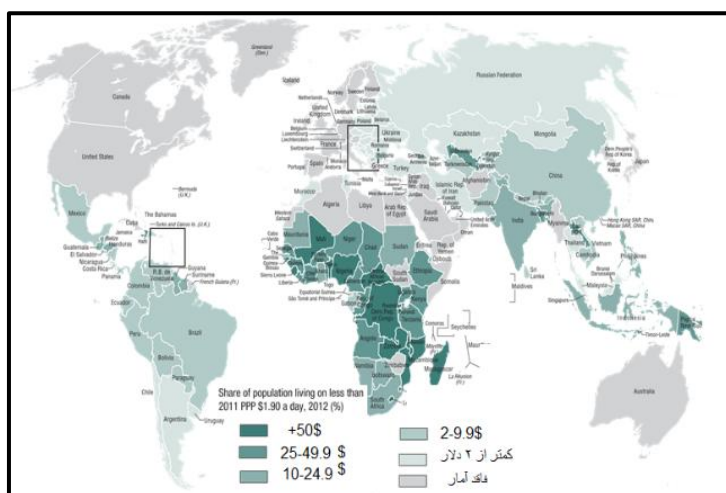
اصولاً افزایش رفاه اقتصادی مردم و کاهش فقر یکی از اهداف اصلی برنامه‌های توسعه اقتصادی در هر کشور محسوب می‌گردد. یکی از راه‌های سنجش فقر، از طریق شاخص‌های اقتصادی است. هدف این نوشتار در پاسخ به این سوال انجام گرفته است که روند تغییرات خط فقر و شدت فقر در مناطق شهری استان کردستان طی دوره (۹۰-۱۳۸۷) چگونه بوده است؟ این مطالعه تحلیلی با استناد به داده‌های مرکز آمار ایران و قیمت سبد غذایی که از طریق بانک مرکزی بدست آمده طی دوره ۴ ساله (۹۰-۱۳۸۷) براساس چهار روش: خط فقر نسبی، مطلق غذایی، ارشانسکی و ضریب انگل فقر در مناطق شهری استان کردستان مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌ها نشان می‌دهد روند تورم صعودی بوده و به طور متوسط ۶/۹ درصد رشد داشته و همچنین هزینه تامین سبد استاندارد غذایی طی دوره مذکور حدود ۳۲ درصد افزایش داشته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد خط فقر نسبی ماهیانه شهری به روش میانگین رشدی معادل ۳/۳ درصد داشته، شدت فقر نسبی معادل ۵/۲۰ درصد، خط فقر مطلق ماهیانه به روش میانگین ۱۸ درصد افزایش داشته است.

واژه‌گان کلیدی: فقر نسبی، فقر مطلق، فقر شهری، انگل، ارشانسکی، کردستان

مقدمه

مسئله فقر و نابرابری یکی از مشکلات دیرینه جوامع بشری است. کلیه جوامع بشری چه در حال حاضر و چه در گذر تاریخی، کم و بیش نابرابری در ابعاد مطلوبیت‌های کمی و ابزاری (قروت و درآمد) مطلوبیت‌های کیفی و ذاتی (احترام و منزلت) و مطلوبیت‌های ربطی (قدرت) را به گونه‌ای تجربه نموده‌اند حتی در جوامع ابتدایی که ابزار تولیدی در کار نبود و به رغم نظریه‌ای نابرابر اقتصادی قابل ملاحظه‌ای هم مشهود نبود، این جوامع برخوردار از نوعی نابرابری در حیثیت و بالطبع نابرابری در قدرت بوده‌اند (بنی فاطمه و ایرانی، ۱۳۸۹: ۷). پدیده فقر معضلی است که تمامی جوامع بشری با آن روبرو هستند. این معضل اقتصادی و اجتماعی ابعاد مختلفی را برای جوامع به بار می‌آورد. چرا که این پدیده خود نمودی از توسعه نیافتگی اقتصادی- اجتماعی است و ثبات سیاسی، همبستگی اجتماعی و همچنین سلامت جسمی و روحی ملت‌ها را تهدید و موجب افزایش مرگ و میر به خصوص نوزادان، مادران و بالاخره کاهش امید به زندگی در جامعه می‌شود. بی‌شک چنین وضعیتی می‌تواند در پایین آمدن راندمان بهره‌وری اقتصادی مؤثر باشد (حسن‌زاده، ۱۳۷۹: ۱۳۶). در مقیاس جهانی و منطقه‌ای علیرغم تلاش‌ها و برنامه‌ریزی کشورهای مختلف جهان جهت کاهش فقر، متأسفانه به نتایج قابل توجهی دست نیافته‌اند. سازمان ملل متحد سال ۱۹۹۶م "سال بین‌المللی ریشه کنی فقر" تعیین کرد، و بر اساس آن دهه ۲۰۰۶ - ۱۹۹۷ دهه ریشه کنی فقر در جهان معرفی کرد (World Bank: 1999). براساس گزارشات منتشر شده بانک جهانی در سال ۲۰۰۸ بیش از ۹۵ درصد مردم ممالک در حال توسعه کمتر از ۱۰ دلار در روز درآمد دارند. به عبارتی ۷/۷۹ درصد جمعیت جهان زیر ۱۰ دلار در روز درآمد داشته‌اند (World Bank: 2008). بنابراین لازمه برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در موضوع فقر، ابتداء شناخت ابعاد مختلف فقر، و پیامدهای است. بدین ترتیب "بررسی و آگاهی از وضعیت فقر در یک جامعه اولین قدم در مسیر برنامه‌ریزی برای مبارزه با فقر و محرومیت است" (عرب‌مازار و حسینی نژاد، ۱۳۸۷: ۲۵).

طی دهه‌های گذشته اقتصاد ایران با مشکلات اقتصادی مختلفی مواجه بوده است. افزایش تورم، بیکاری، کسری تراز پرداخت‌ها و... در سطح اقتصاد کلان و آثار و عواقب آن بر روی فقر، توزیع درآمد و... در سطح اقتصاد خرد از جمله مشکلاتی است که توجه بیشتری را به خود معطوف داشته است (خسرو نژاد، ۱۳۹۱: ۴۰). در ایران نیز برای مبارزه با فقر در قالب برنامه‌های توسعه طرح ساماندهی اقتصادی، پیش‌بینی‌هایی صورت گرفته و چندین بار لایحه فقر زدایی تهیه و تنظیم شده که این تلاش‌ها در نهایت به اقدامی کاملاً موفق منجر نشده است. از سویی نتایج مطالعات انجام شده در سال‌های اخیر به حوزه‌های تصمیم‌گیری راه یافته ولی سیاست‌های اتخاذ شده نمودی عینی در سطح ملی و منطقه‌ای همانند آنچه در کشورهای مانند مالزی؛ کره جنوبی و... داشته پیداه نکرده است (پیرایی، شفیعی، ۱۳۹۱: ۲۲۴). براساس نقشه میزان قدرت خرید مردم بر گرفته از سایت بانک جهانی در سال ۲۰۱۲ کشور ما در زمره کشورهایی است که مردم ما میزان قدرت خریدشان کمتر از ۱۰ دلار در روز است.



شکل ۱. میزان قدرت خرید مردم در ممالک مختلف جهان در سال ۲۰۱۲ (منبع: بانک جهانی)

اما در مطالعات مربوط به فقر، از روش‌های متفاوتی بهره می‌گیرند، یکی از روش‌های معمول که محققین برای اندازه‌گیری شدت فقر معرفی و استفاده می‌کنند روش خط فقر نسبی، فقر مطلق، ارشانسکی و ضریب معکوس انگل است. در این مقاله با الهام از این روش‌ها در ابتدا به تعریف شاخص‌های فقر از دیدگاه‌های مختلف پرداخته شده سپس با استفاده از داده‌های طرح آمارگیری از هزینه و درآمد خانوارهای شهری استان کردستان و قیمت سبد غذایی که از طریق بانک مرکزی تهیه گردیده، شاخص‌های مذکور طی سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۰ محاسبه و خط فقر، شکاف فقر و تعیین درصد تغییر آن طی دوره مذکور مورد بررسی قرار گرفته و فرض اصلی بر این اساس است که شدت فقر و فقر نسبی طی دوره مذکور افزایش یافته است.

مبانی نظری تحقیق

فقر در جوامع بشری دارای ابعاد گوناگون است. اما جنبه‌های اقتصادی آن از نمود بیشتری برخوردار است. "فقر یک مفهوم نظری است و به اشکال گوناگون تعریف شده و مفهوم آن به تبع شرایط مختلف زمانی و مکانی یعنی تحولات اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، علمی و تکنولوژیکی تغییر می‌یابد (کاشی و همکاران، ۱۳۸۷: ۵). برخی از دانشمندان فقر را در کنار محرومیت می‌آورند. تانزند متخصص اقتصاد جهان سوم معتقد است فقر و گرسنگی رهیافتی تحلیلی بسوی محرومیت به عنوان هسته اصلی تعریف فقر در پیش می‌گیرد (زاهدی مازندرانی و زاهدی عقبری، ۱۳۷۵: ۱۵). آمارتیا سن در مطالعات خود اشاره دارد که تمام تعاریف صورت گرفته در خصوص فقر به نوعی به محرومیت اشاره دارند. محرومیت خود یک مفهوم نسبی است که ممکن است در مکان‌ها و زمان‌های مختلف، متفاوت باشد (Sen, 1979: 21). براساس نظریات گیدنز فقر در نتیجه داشتن و نداشتن وسایل تولید است. معتقد است سرمایه داران قدرت بیشتری نسبت به کارگران دارند زیرا دارای حق مالکیت بر ابزار تولید را دارند در حالیکه کارگران حق فروش نیروی کار خود را دارند (گیدنز، ۱۳۷۳: ۲۴۰). فرانک پارکین همانند وبر و گیدنز معتقد است مالکیت دارائی وسایل تولید شالوده‌ی اصلی ساخت طبقاتی را تشکیل می‌دهد. برخی دیگر از جامعه‌شناسان بر این باورند که فقر پدیده‌ای است اجتماعی و بسیاری از آسیب‌های اجتماعی به این پدیده برمی‌گردد و بسیاری دیگر از دانشمندان علوم اجتماعی و روان‌شناسی معتقدند که برای رفع یا کنترل بسیاری از معضلات اجتماعی لازم است که در درجه اول پدیده فقر را در یک جامعه کنترل و سپس به درمان مشکلات اجتماعی پرداخته شود. تانسن معتقد است: افراد، خانواده‌ها و گروه‌های جمعیتی را زمانی می‌توان فقیر

به حساب آورد که با فقدان منابع برای کسب انواع رژیم‌های غذایی، مشارکت در فعالیت‌ها و شرایط و امکانات معمول زندگی، مواجه هستند (Townsend, 1985:31).

مارکس معتقد است: فقر نوعی استراتژی برای تامین رفاه سرمایه‌داری است. ارنست انگل اقتصاد دان آلمانی فقر را ناشی از نابرابری‌های ثروت و امکانات می‌داند: معتقد است با افزایش درآمد، سهم مخارج خوراکی مصرف‌کنندگان در بودجه کاهش می‌یابد. نظریه معروف او که به نام قانون انگل معروف است، براین منطبق استوار است که کشش درآمدی تقاضای کالاهای خوراکی در بودجه خانوار به نسبت پایین است و بدین خاطر، با افزایش درآمد، مصرف کالاهای خوراکی به نسبت کمتری افزایش می‌یابد. نتیجه آنکه هرچه درآمد خانوار افزایش نشان دهد، سهم مصرف کالاهای خوراکی در بودجه پایین می‌آید این بدان معناست که مصرف مواد غذایی هم پای درآمد افزایش نمی‌یابد (Kedir, 2005:5). جغرافیدانان معتقدند هرچند نابرابری‌های جامعه ریشه در نابرابری توزیع سرمایه‌های مادی و اجتماعی دارد، اما نباید از نقش عوامل طبیعی در تشدید فقر و محرومیت‌ها چشم پوشی کرد که این عوامل بالقوه می‌توانند در تشدید فقر مؤثر باشند. عواملی مانند خشکسالی، گسترش کویرها، کمبود آب، خاک نامساعد و... همه این‌ها در شدت فقر مؤثر هستند. پس فقر یک پدیده‌ی چند بعدی است که با توجه به شرایط طبیعی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و موقعیت زمانی و مکانی هر کشور شامل ناکامی در رضایت‌مندی بر مبنای نیاز و کمبود دست‌یابی به منابع، تحصیلات، مهارت، سلامتی، تغذیه، پناهگاه و امکانات بهداشتی است که آسیب‌پذیری اجتماعی، خشونت و کمبود آزادی را در پی دارد.

پیشینه تحقیق

گرچه فقر به اشکال مختلف همواره در زندگی بشر وجود داشته، ولی ویلیام پتی در قرن هفدهم میلادی در کتاب حساب سیاسی خود فقر زدایی را بصورت علمی مورد مطالعه قرار داد (بلاک، ۱۳۷۵:۴۵). نخستین تلاش‌ها برای اندازه‌گیری فقر در اواخر قرن ۱۹ توسط بوت و روانتری در دنیای انگلو ساکسون صورت گرفته است (شوبرت، ۱۳۷۵:۴۴). سابقه مطالعات مربوط به فقر در ایران به دهه ۱۳۲۰ همزمان با تاسیس وزارت کار در ایران باز می‌گردد. این مطالعات بیشتر در قالب تعیین حداقل دستمزد تعیین سید مصرفی خانوار می‌باشد. از دهه ۱۳۴۰ مرکز آمار ایران نتیجه‌گیری و بررسی هزینه و درآمد را شروع کرد و همه ساله نتایج آن را منتشر می‌کرد. در سال ۱۳۶۹ حسین عظیمی تحقیق در زمینه توزیع درآمد و هزینه در ایران انجام داد. نتایج تحقیق نشان داد که تمرکز درآمد، بیشتر در بخش‌های خدمات غیر دولتی و بخش صنایع بزرگ می‌باشد. افقه و قنوتی‌فر (۱۳۹۱) در تحقیق تحت عنوان تخمین خط فقر در استان خوزستان بر مبنای میزان کالری محاسبه کرده و نتایج نشان می‌دهد که طی دوره زمانی ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۵ خط فقر مطلق شهری و روستایی استان خوزستان از روند افزایشی برخوردار بوده است و این افزایش در مناطق شهری بیش از مناطق روستایی است. بنی فاطمه و ایرانی (۱۳۹۲) بررسی تطبیقی میزان فقر در مناطق مختلف شهر تبریز به صورت پرسش‌نامه‌ای و میدانی با هدف برآورد میزان فقر کل از مجموع نمرات فقر فرهنگی، فقر موقعیتی، فقر ربطی و فقر مسکن انجام داده‌اند. حاصل انجام محاسبات از آزمون تحلیل واریانس بین فقر و ابعاد آن در ۱۰ منطقه شهرداری ابریز تفاوت معناداری وجود دارد. عزیزی و همکاران (۱۳۹۳) تحلیلی بر وضعیت فقر شهری در مهاباد با روش میدانی انجام دادند که نتایج نشان می‌دهد وضعیت اقتصادی بیشتر اقشار جامعه شهری نامناسب که معلول ضعف پایه‌های اقتصادی شهر است که منجر به توزیع نامتوازن منابع و افزایش فقر شده است. پورموسوی و همکاران (۱۳۹۲) تاثیر اقتصاد سیاه بر فقر در مناطق شهری ایران با استفاده از الگو بردارهای خود رگرسیون (VAR) می‌پردازد. در این الگو، متغیرهای درآمد سرانه، بیکاری، بار مالیات بر درآمد، بار مالیاتی مستقیم، درجه باز بودن اقتصاد و تورم عوامل ایجاد کننده اقتصاد سیاه در سال‌های مورد بررسی ۱۳۶۳-۱۳۸۶ هستند. نتایج حاکی از این است که در مناطق شهری، متغیر درآمد سرانه بیشترین تاثیر را بر فقر دارد؛

بنابراین اگر سیاست گذاران خواهان تغییر و بهبود در فقر شهری هستند، متغیر کارساز همان تغییر در درآمد سرانه با همه لوازم و تمهیدات نهادی و توزیعی آن است. شکوری و سعیدی (۱۳۹۳) فقر خانواده و زنان شهری (با تاکید بر کلانشهر تهران)، نتایج تحقیقات نشان می‌دهد که ۴۲ درصد جمعیت شهر تهران زیر خط فقر هستند. از نظر نابرابری درآمدی تفاوت‌های چشمگیری در بین خانوارهای زن سرپرست در بین مناطق شهر تهران مشاهده می‌شود. تفاوت در نابرابری‌های مؤلفه‌های اصلی رفاه خانوارها، یعنی تغذیه، بهداشت، آموزش و مسکن، هم در بین مناطق مختلف شهر تهران بسیار چشمگیر است و هم قدر مطلق بعضی از آن‌ها همچون مسکن، آموزش و بهداشت بسیار زیاد است. باقری و کاوندی در سال ۱۳۸۲ تحقیق خود در زمینه اندازه‌گیری شدت فقر در ایران (کاربرد شاخص SST) به این نتایج رسیدند که میزان فقر در ایران در حال افزایش بوده به طوری که طی سال ۱۳۸۲-۱۳۸۱ فقر شهری حدود ۱/۷ درصد افزایش و در مناطق روستایی ۱/۸ درصد افزایش داشته است (باقری و کاوندی، ۱۳۸۹: ۱۸۱). در مطالعه دیگر تحت عنوان محاسبه خط فقر در ایران توسط فریده باقری، خلیل حیدری و حسین پیمان طی سال‌های ۱۳۸۲-۱۳۸۰ انجام گرفت نتایج نشان داد که خط فقر در مناطق شهری و روستایی، بر حسب نیاز به ۲۳۰۰ کالری در سال ۱۳۸۲ بیش از ۱۲ درصد خانوار شهری و ۱۰ درصد خانوار روستایی زیر خط فقر زندگی می‌کنند. اسماعیل ابونوری و نادرملکی در مطالعه‌ای تحت عنوان خط فقر در استان سمنان طی سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۸۷ با استفاده سیستم مخارج خطی (LES) نتایج نشان می‌دهد طی برنامه اول توسعه تا برنامه سوم توسعه خط فقر ۱۷ برابر افزایش یافته است (ابونوری و ملکی، ۱۳۸۷: ۱۵۰).

روش پژوهش

به رغم تحقیقات فراوانی که در زمینه فقر انجام گرفته است، تاکنون توافقی برای ارائه یک تعریف جامع و مانع از فقر بدست نیامده و همین امر موجب گردیده تا محققین روش‌های مختلفی برای اندازه‌گیری فقر بکار بگیرند. با این وجود مطالعه فقر و بررسی میزان افراد فقیر یا خانوارهای زیر خط فقر در وهله اول مستلزم ارائه پیش تعریفی از فقر و شاخص‌های کمی متناظر با آن است که بتوان با این ابزار اندازه‌گیری حائلی میان افراد فقیر و غنی ایجاد و به شناختی نسبی از کم و کیف آنان در سطح جامعه دست یافت.

درواقع خطوط فقر را می‌توان حد فاصل گروه‌های جامعه از نظر برخورداری یا عدم برخورداری از حداقل نیازهای اساسی و یا مقدار مشخصی از درآمد در واحدی از زمان دانست (خالدی و پرمه، ۱۳۸۸: ۶۲). بدین ترتیب افرادی که درآمد بالاتر دارند را غیر فقیر و افرادی که درآمد کمتر از خط فقر دارند را فقیری خوانند.

در ترسیم خط فقر، هدف تعیین سطح یا مقداری از درآمد است که برای خرید حداقل سبد استاندارد تغذیه و سایر مایحتاج انسانی کافی است. براساس مطالعات انجام گرفته در حوزه فقر یکی از متداولترین روش‌های تعیین خط فقر، فقر مطلق است که از محرومیت یا ناتوانی فرد در تأمین حداقل نیازهای ضروری و اساسی سرچشمه می‌گیرد. هر چند که مفهوم حداقل نیازهای ضروری نیز خود مفهوم ثابتی نبوده و معمولاً در طی زمان یا از مکانی به مکان دیگر تغییر پیدا می‌کند (کاشی و همگاران، ۱۳۸۷: ۵). در مقابل فقر مطلق، فقر نسبی وجود دارد که عبارت است از ناتوانی در کسب یک سطح معین از استانداردهای زندگی که در جامعه فعلی لازم یا مطلوب تشخیص داده شده است. در واقع در فقر نسبی ارضای نیازهای فرد در رابطه و نسبت به دیگر افراد جامعه سنجیده می‌شود. خط فقر نسبی، یا به صورت درصد معینی از میانه یا سطح متوسط درآمد و یا به شکل مرز درآمدی که درصدی معین از افراد جامعه پائین‌تر از نصف قرار می‌گیرند، تعریف می‌شود (کاشی و همگاران، ۱۳۸۷: ۵).

با توجه به تعاریف مذکور، یکی از متداولترین روش‌های محاسبه فقر مطلق، فقر مطلق غذایی است. یعنی تعیین نیازهای غذایی افراد و میزان کالری مورد نیاز آن‌ها در روز که بر مبنای ۲۳۰۰ کالری است (باقری و کاوندی، ۱۳۸۹: ۶). البته

انرژی مورد نیاز بر حسب جنس و سن نیز متفاوت خواهد بود. در برخی از کشورها با در نظر گرفتن تفاوت موجود در فرهنگ غذایی و قیمت مواد خوراکی لازم برای تامین انرژی در مناطق متخلف، برای هر منطقه سبد غذایی جداگانه‌ای تعریف و بر این اساس، خط فقرهای گوناگونی نیز محاسبه می‌گردد. در این مقاله ضمن بیان خط فقر مطلق غذایی و به منظور درک و شناخت عمق فقر در جامعه شهری استان کردستان به پنج روش مختلف زیر به محاسبه خط فقر مطلق پرداخته شده است:

۱. روش اول: در این روش پس از تعیین میزان خط فقر مطلق غذایی براساس متوسط بعد خانوار در مناطق شهری استان از تعریف زیر برای محاسبه خط فقر مطلق کل استفاده شده است (خالدی و همکاران، ۱۳۸۷:۷).

$$\text{(خط فقر مطلق غذایی)} + \frac{1}{2} \times \text{خط فقر مطلق غذایی} = \text{خط فقر مطلق کل}$$

۲. روش دوم: در این روش پس از تعیین میزان خط فقر مطلق غذایی، بر اساس تعریف زیر نسبت به محاسبه خط فقر مطلق کل اقدام خواهد شد.

$$\text{(خط فقر مطلق غذایی)} + \frac{1}{3} \times \text{خط فقر مطلق غذایی} = \text{خط فقر مطلق کل}$$

۳. روش سوم: ارشانسکی

در این روش پس از تعیین میزان خط فقر مطلق غذایی با استفاده از رابطه زیر نسبت به محاسبه میزان خط فقر مطلق کل اقدام شده است:

متوسط هزینه کل خوراکی و غیر خوراکی

$$\text{خط فقر غذایی} * \frac{\text{متوسط هزینه کل خوراکی}}{\text{خط فقر کل}} = \text{خط فقر کل}$$

۴. روش چهارم: تعیین خط فقر بر پایه معکوس ضریب انگل

یکی از روش‌های بررسی رابطه مخارج خوراکی خانوارها و درآمد آن‌ها، استفاده از شاخص نسبت مخارج خوراکی به درآمد خانوارها است. که توسط ارنست انگل معرفی شد. بعدها روش مذکور به عنوان معیاری جهت محاسبه خط فقر بکار گرفته شد. تاکید اصلی این روش بر مفهوم عینی فقر است. فرآیند روش کار براین اساس است که با استفاده از داده‌های آماری مربوط به هزینه و درآمد خانوارها و بر اساس مدل‌های اقتصادسنجی، ضریب انگل برآورد می‌گردد. در مرحله بعد مخارج خوراکی خانوار در معکوس ضریب مذکور ضرب می‌شود. نتیجه این محاسبات معال خط فقر خواهد بود. با این وجود مدل‌های چهارگانه تعیین ضریب انگل بشرح ذیل است (باقری و همکاران، ۱۳۸۷:۶۵).

$$\ln F = \gamma_0 + \gamma_1 I + \theta \quad \ln F = B_0 + B_1 \ln I + \mu$$

$$F = \eta_0 + \eta_1 \ln I + \delta \quad F = \alpha_0 + \alpha_1 I + \varepsilon$$

در مدل‌های فوق F عبارت است از مخارج خوراکی خانوار و I برابر کل مخارج (خوراکی و غیر خوراکی) خانوار می‌باشد. همچنین سایر پارامترها ضرایب قابل برآورد مدل‌ها با روش تخمین OLS^۱ و سایر پارامترها جملات پسمانده یا جمله اخلاص مدل‌های چهارگانه هستند. براساس نتایج هزینه و درآمد خانوارهای شهری که هر ساله توسط مرکز آمار ایران انجام می‌شود، در سطح استان‌ها خانوارهای موجود به ده گروه هزینه‌ای تقسیم می‌شوند، که در هر یک از گروه‌ها براساس نتایج نمونه گیری تعدادی از خانوارها قرار خواهند گرفت و براساس داده‌های آماری مربوط به هزینه‌های خوراکی و کل این خانوارها، مدل‌های چهارگانه فوق برآورد و بهترین مدل انتخاب می‌گردد و براساس آن ضریب انگل محاسبه خواهد

شد. این روش به دو صورت انجام می‌گیرد: در روش اول بعد از محاسبه و برآورد مدل اقتصاد سنجی برای محاسبات بعدی از هزینه‌های خوراکی و کل، کلیه گروه‌های درآمدی (متوسط هزینه‌های خوراکی و کل یک خانوار نمونه شهری استان کردستان) استفاده خواهد شد، که این روش خود به دلیل برآوردی بیش از اندازه از خط فقر مورد انتقاد است که برای رفع این مشکل از روش دوم که در آن برای برآورد ضریب انگل پیشنهاد شده است که به جای استفاده از متوسط مخارج خوراکی کلیه گروه‌های ده گانه درآمدی، از مخارج خوراکی و کل فقیرترین گروه درآمدی (گروه اول) استفاده شود. انجام این کار موجب برآورد پایین تری از خط فقر نسبی به شیوه معکوس ضریب انگل می‌شود.

۵. روش پنجم: استفاده از متوسط روش‌های قبل به عنوان خط فقر در این روش هم چنانکه اشاره گردید از متوسط خط فقرهای برآورد شده براساس روش‌های قبلی به عنوان خط فقر استفاده خواهد شد (خالدی و پرمه، ۱۳۸۸: ۶۵).

خط فقر نسبی

همان طوری که اشاره شد فقر نسبی به موقعیت فرد یا خانوار در مقایسه با درآمد متوسط در سطح جامعه اشاره دارد و با تغییر سطح درآمد متوسط جامعه، میزان فقر نسبی نیز تغییر خواهد یافت. به عبارت دیگر فقر نسبی عبارت است از سنجش درجه ارضاء نیازهای فرد یا خانوار در رابطه با دیگر افراد یا خانوارهای جامعه و بر این اساس خط فقر نسبی معمولاً به عنوان درصد مشخصی از میانه یا میانگین درآمد و یا به صورت مرز درآمدی که درصدی معین از خانوارهای جامعه پایین تر از آن قرار می‌گیرند، تعریف شده است. به طوری که افراد یا خانوارهایی که درآمدی پایین تر از سطح مذکور هستند در زمره افراد فقیر جای خواهند گرفت. در مقاله حاضر از پنج روش برای محاسبه خط فقر نسبی به شرح زیر استفاده شده است (کاشی و همکاران، ۱۳۸۲: ۵۴).

الف: قرار دادن ۵۰ درصد درآمد (هزینه) خانوار میانگین جامعه به عنوان خط فقر نسبی.

ب: قرار دادن ۶۷ درصد (۲/۳) درآمد (هزینه) خانوار میانگین جامعه به عنوان خط فقر نسبی.

ج: قرار دادن ۵۰ درصد درآمد (هزینه) خانوار میانه جامعه به عنوان خط فقر نسبی.

د: قرار دادن ۶۷ درصد درآمد (هزینه) خانوار میانه جامعه به عنوان خط فقر نسبی.

ط: قرار دادن میانگین روش‌های چهارگانه به عنوان خط فقر نسبی.

محاسبه شدت فقر

با عنایت به تعریف‌های ارائه شده برای محاسبه خط فقر مطلق و نسبی، اکنون می‌توانیم پس از مشخص شدن خطوط فقر در روش‌های مذکور، به اندازه‌گیری شدت فقر بپردازیم. برای محاسبه شدت فقر از شاخص‌های مختلفی مانند شاخص نسبت سرشماری، شاخص شکاف فقر و... وجود دارد که تفسیر هر یک از روش‌های مذکور متفاوت خواهد بود. ضمن اینکه برای محاسبه هر کدام از آن‌ها نیز داده‌ها و آمارهای مختلفی مورد نیاز خواهد بود. در این میان شاخص نسبت سرشمار که با محاسبه خط فقر و اطلاعات مربوط به هزینه و درآمد خانوارهای شهری قابل ارزیابی است که یکی از معروفترین آن‌هاست. لازم به ذکر است که محاسبه سایر شاخص‌ها به دلیل نیاز به اطلاعات آماری بیشتر در این مقاله محاسبه نشده‌اند. از طرف دیگر شاخص نسبت سرشمار ساده ترین و ابتدایی ترین روش اندازه گیری شدت فقر است که بصورت زیر بیان می‌گردد:

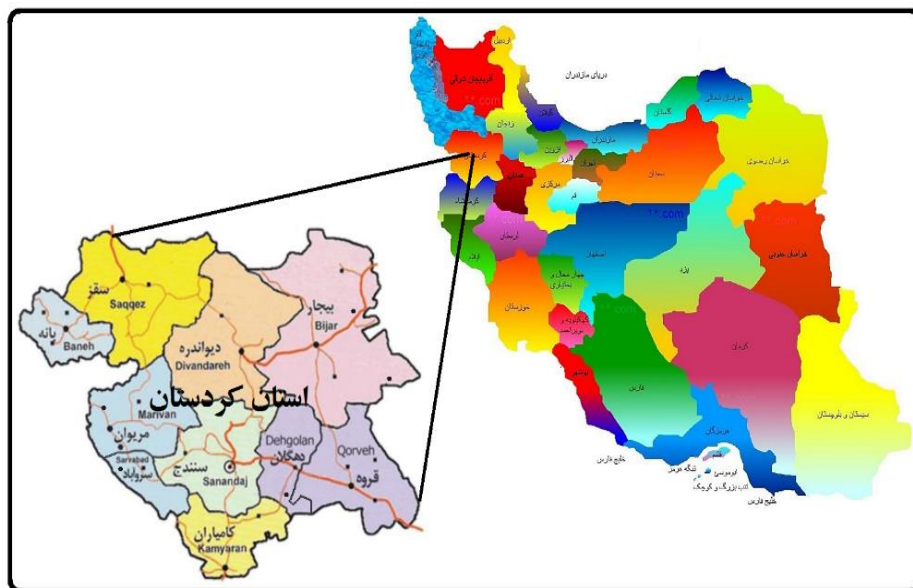
$$H = q/n \times 100$$

که در آن H درصد خانوارهای زیر خط فقر q تعداد افراد فقیر و n تعداد کل افراد جامعه است. این شاخص نشان می‌دهد که چه نسبتی از افراد زیر خط فقر زندگی می‌کنند. اندازه این شاخص بین صفر، حالتی که هیچ فقری در جامعه وجود نداشته باشد و یک حالتی که کلیه افراد در جامعه فقیر باشند یعنی درآمد کلیه افراد جامعه کمتر از درآمد متناظر با خط فقر باشد، تغییر می‌کند. اشکال عمده این شاخص این است که افزایش یا کاهش میزان درآمد افراد فقیر و غیر فقیر جامعه مشروط بر آنکه موجب جابجایی افراد حول خط فقر نشود. هیچگونه تأثیری در اندازه شاخص نسبت افراد فقیر ندارد. در واقع اشکال این شاخص آن است که نسبت به انتقال درآمد بین فقیرها و حتی بین فقیرها و غیرفقیرها حساس نمی‌باشد و علاوه بر این این شاخص نسبت به کاهش درآمد فقرا نیز حساس نمی‌باشد. اشکالات فوق، کاربرد این شاخص را محدود می‌نماید (کاشی و همکاران، ۱۳۸۲).

اما دوره زمانی تحقیق از سال ۱۳۸۷ شروع و تا پایان سال ۱۳۹۰ می‌باشد. جامعه آماری مورد مطالعه مناطق شهری استان کردستان مشتمل بر ۸ شهرستان با جمعیتی معادل ۵۹/۴۳ درصد کل جمعیت استان می‌باشد. متغیرهای تحقیق عبارتند از: قیمت مواد غذایی طی سال‌های مذکور، هزینه‌های کل و خوراکی خانوارهای شهری استان کردستان، اطلاعات اولیه و خام مربوط به قیمت مواد غذایی از بانک مرکزی و سایر اطلاعات از نتایج طرح هزینه و درآمد خانوارهای شهری مرکز آمار ایران استفاده شده است.

محدوده مورد مطالعه

استان کردستان با مساحتی حدود ۲۸۲۳۵ کیلومتر مربع در غرب ایران، از شمال به استان‌های آذربایجان غربی و قسمتی از زنجان، از شرق به همدان و زنجان، از جنوب به استان کرمانشاه و از غرب به کشور عراق محدود است. موقعیت ریاضی استان بین ۳۴ درجه و ۴۴ دقیقه تا ۳۶ درجه و ۳۰ دقیقه عرضی شمالی و ۴۲ درجه و ۳۱ دقیقه و ۱۶ دقیقه طول شرقی از نصف النهار گرینویچ قرار دارد. این استان دارای ۱۰ شهرستان و جمعیتی بالغ بر ۱۴۹۳۶۴۵ نفر در سال ۱۳۹۰ است (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان کردستان، ۱۳۹۰).



شکل ۲. موقعیت جغرافیایی محدوده مورد مطالعه

یافته‌ها و بحث

- محاسبه خط فقر و شدت فقر در مناطق شهری استان کردستان

برآورد خط فقر مطلق

برآورد خط فقر مواد غذایی

به منظور برآورد خط فقر مطلق غذایی با استفاده از الگوی تغذیه مناسب نسبت به محاسبه ارزش ریالی سبد غذایی دوره مورد نظر تغذیه مناسب طی سال‌های ۹۰-۱۳۸۷ اقدام گردید که نتایج آن در جدول (۱) نشان داده شده است.

جدول ۱. الگوی پیشنهادی تغذیه در مناطق شهری استان کردستان و ارزش ریالی آن (۹۰-۱۳۸۷)

کالا	میزان مصرف سالانه GK	ارزش ریالی ۱۳۸۶	ارزش ریالی ۱۳۸۴	ارزش ریالی ۱۳۸۵	ارزش ریالی ۱۳۹۰	متوسط نرخ رشد ۹۰-۱۳۸۷
نان	۹۰	۱۱۹۱۹۰	۱۳۸۰۸۰	۱۴۵۸۰۰	۱۶۰۳۸۰	۱۰/۴
برنج	۳۶	۲۹۳۴۰۰	۳۴۲۰۰۰	۲۷۶۱۲۰	۳۶۰۰۰۰	۷/۱
حبوبات	۱۰/۸	۶۷۲۸۰	۸۹۹۰۰	۹۹۳۶۰	۱۱۳۴۰۰	۱۹
قند و شکر	۱۶/۲	۹۰۵۱۰	۱۰۸۹۰۰	۱۲۴۲۵۰	۱۲۹۶۰۰	۱۴/۴
روغن	۹	۱۲۲۴۹۰	۱۳۳۳۹۰	۱۴۶۲۵۰	۱۴۸۵۰۰	۶/۶
گوشت قرمز	۱۰/۸	۴۴۴۲۰۰	۴۶۷۹۶۰	۵۱۸۴۰۰	۵۹۴۰۰۰	۱۰/۲
گوشت سفید(مرغ)	۹	۱۰۹۸۰۰	۱۱۵۷۴۰	۱۲۸۲۵۰	۱۴۸۵۰۰	۱۰/۶
ماهی	۷/۲	۲۱۸۰۲۰	۲۲۹۶۸۰	۲۵۴۳۸۰	۲۶۶۴۰۰	۶/۹
تخم مرغ	۹	۹۹۰۰۰	۱۰۶۲۰۰	۱۱۷۰۰۰	۱۲۵۰۰۰	۱۰/۹
شیر	۳۶	۴۶۶۹۲۰	۵۰۱۱۲۰	۵۵۴۷۶۰	۵۶۵۲۰۰	۶/۶
ماست	۳۶	۴۶۶۹۲۰	۵۰۱۱۲۰	۵۵۴۷۶۰	۵۶۵۲۰۰	۶/۶
پنیر	۷/۲	۹۳۳۸۰	۱۰۰۲۲۰	۱۱۰۹۵۰	۱۱۳۰۴۰	۶/۶
سبزیجات	۱۱۵	۴۷۳۸۰۰	۵۷۵۰۰۰	۶۳۲۵۰۰	۶۳۲۵۰۰	۱۰/۱
میوه جات	۱۲۶	۶۵۳۹۴۰	۷۹۳۸۰۰	۸۸۲۰۰۰	۹۶۳۹۰۰	۱۳/۸
بعد خانوار		۴/۳۲	۴/۲۹	۴/۰۶	۴/۰۱	-
خط فقر غذایی سالیانه خانوار		۱۶۰۴۸۱۵۲	۱۸۰۲۶۷۰۹	۱۸۴۵۱۸۰۷	۱۹۶۳۱۴۳۶	۶/۹

منبع: بانک مرکزی استان کردستان واحد آمار و نتایج محاسبات نگارندگان

برآورد خط فقر مطلق کل

پس از برآورد خط فقر غذایی براساس الگوی پیشنهادی تغذیه مناسب که نتایج آن در جدول (۲) نشان داده شده است، با استفاده از روش‌های مختلف ارائه شده در متن مقاله نسبت به محاسبه خط فقر مطلق کل در سطح خانوار اقدام شد که نتایج آن در جدول (۲) نشان داده شده است.

همان طوری که جدول (۲) نشان می‌دهد، خط فقر مطلق غذایی ماهانه سرانه به واسطه وجود تورم سالیانه دارای روند صعودی بوده و طی دوره مورد مطالعه، سالیانه بطور متوسط حدود ۶/۹ درصد رشد داشته است. به عبارت دیگر هزینه تامین سبد استاندارد غذایی مورد نظر انستیتوی تغذیه به منظور تامین کالری لازم (۲۳۰۰ کیلوکالری) در سال ۱۳۹۰ نسبت به سال ۱۳۸۷ حدود ۳۲ درصد افزایش نشان می‌دهد. درمیان روش‌های مختلف ارائه شده برای محاسبه خط فقر مطلق کل به استثنای روش‌های ارشانشکی و انگل (استفاده از هزینه خوراکی و کل تمام گروه‌های درآمدی) در سایر روش‌ها خط فقر مطلق دارای روندی صعودی بوده است. از نظر کمی کمترین مقدار خط فقر مطلق کل ماهیانه در سطح

خانوار مربوط به روش دوم (خط فقر غذایی به اضافه یک سوم خط فقر غذایی مساوی خط فقر مطلق کل) و بیشترین آن مربوط به روش انگل استفاده از هزینه‌های کل گروه‌های هزینه‌ای برای محاسبه ضریب انگل است.

جدول ۲. میزان خط فقر مطلق غذایی و کل ماهیانه خانوار شهری استان کردستان

شرح	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰
خط فقر مطلق غذایی ماهانه (سرانه)	۳۰۹۵۷۰	۳۵۰۱۷۰	۳۷۸۷۳۰	۴۰۷۹۷۰
بعد خانوار	۴/۳۲	۴/۲۹	۴/۰۶	۴/۰۱
خط فقر مطلق کل ماهیانه (روش اول)	۲۰۰۶۰۱۰	۲۲۵۳۳۴۰	۲۳۰۶۴۷۰	۲۴۵۳۹۴۰
خط فقر مطلق ماهانه روش دوم	۱۷۸۶۱۲۰	۲۰۰۲۹۷۰	۲۰۵۰۱۹۰	۲۱۸۱۲۸۰
نسبت کل هزینه‌ها به هزینه‌های خوراکی	۳/۵۲	۳/۴۶	۳/۵۰	۳/۱۷
خط فقر مطلق کل ماهیانه (ارشانسکی)	۴۷۰۷۴۵۰	۵۱۹۷۷۱۰	۵۲۸۱۷۵۰	۵۱۸۵۹۹۰
خط فقر مطلق کل ماهیانه (انگل) ۱	۷۲۲۶۲۷۰	۵۲۶۶۱۵۰	۵۲۸۰۶۶۰	۶۴۴۷۹۷۰
خط فقر مطلق (انگل) ۲	۱۹۸۲۸۹۰	۳۹۴۹۶۱۰	۴۱۰۴۷۲۰	۴۶۳۹۵۷۰
خط فقر مطلق کل ماهیانه (متوسط روش‌ها)	۳۵۴۱۱۵۰	۳۷۳۳۹۶۰	۳۸۲۴۷۶۰	۴۱۸۱۷۵۰

منبع: نتایج محاسبات نگارندگان

در مورد کاهش خط فقر کل به روش انگل در سال ۱۳۸۸ نسبت به سال ۱۳۸۷ براساس نتایج برآوردی الگوی اقتصادسنجی شماره ۲ (الگوی لگاریتمی) کمترین ضریب انگل برآورد شده مربوط به سال ۱۳۸۷ بوده که در صورت معکوس شدن بیشترین مقدار را به خود اختصاص داده و براین اساس بیشترین مقدار خط فقر مطلق کل در این روش برای سال ۱۳۸۷ و کمترین آن برای سال ۱۳۸۸ رقم خورده است. اما روش متوسط خط فقر مطلق کل (متوسط روش‌های پنج گانه) نشان می‌دهد که در این روش خط فقر مطلق کل ماهیانه در سطح خانوار از ۳۵۴۱۱۵۰ ریال در سال ۱۳۸۷ به ۴۱۸۱۷۵۰ ریال در سال ۱۳۹۰ افزایش یافته که معادل ۱۸/۱ درصد رشد داشته است.

برآورد خط فقر نسبی

به منظور برآورد خط فقر نسبی براساس روش‌های پنج گانه در جدول (۳) نشان داده شده است. براین اساس بیشترین مقدار خط فقر نسبی ماهیانه طی سال‌های ۹۰-۱۳۸۷ مربوط به روش ۶۷ درصد هزینه میانگین خانوارهای شهری استان کردستان و کمترین میزان خط فقر نسبی مربوط به روش ۵۰ درصد هزینه خانوار میانه است. براین اساس روش ۶۷ درصد هزینه خانوار میانگین مقدار خط فقر نسبی ماهیانه از ۲۳۷۶۷۴۰ ریال برای یک خانوار نمونه شهری استان کردستان در سال ۱۳۸۷ به ۳۱۲۸۹۴۰ ریال در سال ۱۳۹۰ افزایش یافته که نشان دهنده رشدی برابر با ۳۱/۶ درصد بوده است. رشد متوسط سالیانه این شاخص طی دوره ۹۰-۱۳۸۷ حدود ۹/۶ درصد بوده است. نگاهی به متوسط خط فقر نسبی ماهیانه به روش قرار دادن میانگین روش‌های چهارگانه به عنوان خط فقر نسبی نشان می‌دهد که بطور متوسط خط فقر نسبی ماهیانه از ۱۸۹۸۶۶۰ ریال در سال ۱۳۸۷ به ۲۵۶۸۰۸۰ ریال در سال ۱۳۹۰ افزایش یافته که حدود با ۳۵/۳ درصد رشد داشته است و متوسط نرخ رشد سالیانه این شاخص حدود ۱۰/۶ درصد بوده است. مقایسه تطبیقی خط فقر مطلق کل با خط فقر نسبی (متوسط روش‌های مختلف) نشان می‌دهد که طی سال‌های ۹۰-۱۳۸۷ همواره خط فقر مطلق کل از خط فقر نسبی بیشتر بوده است. متوسط خط فقر مطلق کل حدود ۱/۸ برابر متوسط خط فقر نسبی بوده است.

جدول ۳. خط فقر نسبی ماهیانه خانوار در مناطق شهری استان کردستان (۹۰-۱۳۸۷)

شرح	۱۳۸۶	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۹۰	متوسط نرخ رشد سالیانه
روش ۵۰ درصد هزینه خانوار میانگین	۱۷۸۲۵۶۰	۱۹۱۵۲۲۰	۱۹۴۲۵۵۰	۲۳۴۶۷۱۰	۹/۶
روش ۶۷ درصد هزینه خانوار میانگین	۲۳۷۶۷۴۰	۲۵۵۳۶۲۰	۲۵۹۰۰۷۰	۳۱۲۸۹۴۰	۹/۶
روش ۵۰ درصد هزینه خانوار میانه	۱۴۷۱۷۷۰	۱۵۹۴۶۳۰	۱۶۱۲۵۰۰	۲۰۵۵۷۳۰	۱۱/۸
روش ۶۷ درصد هزینه خانوار میانه	۱۹۶۲۳۷۰	۲۱۲۶۱۷۰	۲۱۵۰۰۰۰	۲۷۴۰۹۶۰	۱۱/۸
متوسط خط فقر نسبی ماهیانه به روش‌های فوق	۱۸۹۸۶۶۰	۲۰۴۷۴۱۰	۲۰۷۳۷۸۰	۲۵۶۸۰۸۰	۱۰/۶

منبع: نتایج محاسبات نگارندگان

محاسبه شدت فقر مطلق

خط فقر مطلق کل به روش‌های مختلف و با استفاده از تعریف ارائه شده برای شاخص نسبت سرشمار، نسبت به محاسبه شدت فقر مطلق اقدام شد که نتایج آن در جدول (۴) آمده است. بر اساس جدول فوق بیشترین نسبت خانوارهای زیر خط فقر براساس تعریف انگل ۱ بدست آمده است، در سال ۱۳۸۷ حدود ۶۱/۵ درصد خانوارهای شهری استان کردستان زیر خط فقر مطلق کل قرار گرفته‌اند که این نسبت در سال ۱۳۹۰ به ۷۹/۷ درصد رسیده است یعنی ۱۸/۲ درصد از خانوارهای شهری استان کردستان به زیر خط فقر انتقال یافته‌اند. اما بیشترین میزان خط فقر مربوط به تعریف خط فقر مطلق کل (خط فقر مطلق غذایی به علاوه ۱/۳ خط فقر مطلق غذایی) بوده است که در سال ۱۳۸۷ معادل ۱۸/۱ درصد خانوارهای شهری استان کردستان زیر خط فقر مطلق کل بوده که در سال ۱۳۹۰ به ۳۷/۶ درصد افزایش یافته است. براساس متوسط خط فقر مطلق کل (روش آخر) نسبت خانوارهای زیر خط فقر مطلق کل در سال ۱۳۸۷ حدود ۵۰/۹ درصد بوده که در سال ۱۳۹۰ به ۵۱/۳ درصد افزایش یافته است. در خوشبینانه‌ترین حالت در سال ۱۳۹۰ حدود ۳۶/۴ درصد خانوارهای شهری استان کردستان زیر خط فقر مطلق بوده‌اند. در بدبینانه‌ترین حالت با در نظر گرفتن روش انگل ۱ حدود ۷۹/۷ درصد از خانوارهای شهری استان کردستان زیر خط فقر مطلق بوده‌اند.

جدول ۴. درصد خانوارهای زیر خط فقر مطلق مناطق شهری استان کردستان (۹۰-۱۳۸۷)

انواع خط فقر مطلق	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰
روش اول	۲۴/۹	۲۹/۳	۳۰	۳۶/۴
روش دوم	۱۸/۱	۲۳/۳	۲۲/۵	۳۷/۶
ارشانسکی	۶۰/۳	۸۲	۷۸/۵	۶۷/۴
روش انگل ۱	۶۱/۵	۸۲/۵	۷۷/۸	۷۹/۷
روش انگل ۲	۴۲/۴	۶۵	۶۴/۸	۵۹/۲
روش متوسط	۵۰/۹	۶۱/۸	۶۱/۵	۵۱/۳

منبع: نتایج محاسبات نگارندگان

محاسبه شدت فقر نسبی

براساس محاسبات انجام گرفته که در جدول (۵) نشان داده شده است، کمترین شدت فقر نسبی مربوط به روش ۵۰ درصد هزینه خانوار میانه بوده است، براساس این روش در سال ۱۳۸۷ حدود ۲۱/۹ درصد از خانوارهای شهری استان کردستان زیر خط فقر نسبی بوده‌اند که در سال ۱۳۹۰ به ۳۷/۳ درصد افزایش یافته است. بیشترین مقدار شدت فقر نسبی مربوط به روش ۶۷ درصد هزینه خانوار میانگین بوده که در سال ۱۳۸۷ حدود ۳۷ درصد خانوارهای شهری زیر خط فقر مذکور بوده، که این نسبت در برای سال ۱۳۹۰ به ۳۸/۶ درصد افزایش یافته است. براساس روش متوسط خط فقر

نسبی در سال ۱۳۸۷ حدود ۲۰/۵ درصد خانوار شهری استان کردستان زیر خط فقر نسبی بوده اند که این نسبت در سال ۱۳۹۰ به ۳۲/۵ افزایش است.

جدول ۵. درصد خانوارهای زیر خط فقر نسبی مناطق شهری استان کردستان (۱۳۸۷-۹۰)

انواع خط فقر نسبی	۱۳۸۷	۱۳۸۷	۱۳۸۹	۱۳۹۰
روش اول	۱۸/۱	۱۹/۳	۲۳	۲۶
روش دوم	۳۷	۳۶/۵	۳۶/۳	۳۷/۶
روش سوم	۲۱/۶	۳۱/۵	۳۴	۳۷/۳
روش چهارم	۲۱/۹	۲۶/۳	۳۶/۳	۳۶/۹
روش متوسط	۲۰/۵	۲۴/۵	۳۱/۳	۳۲/۵

منبع: نتایج محاسبات نگارندگان

نتیجه گیری

درخصوص اعتبار نتایج تحقیق لازم به ذکر است که داده‌ها را از طرح آماری درآمد و هزینه خانوار مرکز آمار ایران اخذ شده است. با توجه به مرجعیت چنین نهادی می‌توان بر داده‌ها صحت گذاشت. نتایج بدست آمده از طریق روش‌های متداول در ارزیابی فقر مانند روش انگل، ارشانسکی و... بوده است. همچنان که در نتایج آمده روند فقر شهری در استان کردستان با توجه به محرومیت استان کردستان از یک روند صعودی را در پیش گرفته است. واقعیت امر این است که مقوله فقر در مناطق شهری و پیامدهای همچون حاشیه نشینی، فقر، تکدی‌گرایی و آسیب‌های اجتماعی آن معلول مجموعه عواملی است که یکی از مهمترین آن‌ها خارج از فضای شهری است و همان ناپایداری سکونتگاه‌های روستایی است که در نتیجه فقر در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فقر و... به شهرها مهاجرت نموده‌اند.

با این وجود نتایج تحقیق نشان می‌دهد که با افزایش قیمت کالاها طی دوره ۹۰-۱۳۸۷ خط فقر مطلق غذایی نیز افزایش یافته است. اصولاً خط فقر مطلق تابعی از عواملی مانند نسبت هزینه‌های کل خانوار به هزینه‌های خوراکی، نرخ تورم، بعد خانوار، و نوع تعریف ارائه شده برای محاسبه فقر مطلق کل است. با این وجود نتایج بر اساس روش‌های مورد مطالعه نشان می‌دهد که خط فقر مطلق غذایی ماهانه طی دوره مورد مطالعه حدود ۲۰/۳ درصد رشد داشته است. به طوری که از ۱۳۳۷۳۴۵۶ ریال در سال ۱۳۸۷ به ۱۶۳۵۹۵۳ ریال در سال ۱۳۹۰ افزایش یافته است. براین اساس میانگین خط فقر مطلق کل (روش متوسط) در سال ۱۳۸۷ برابر با ۳۵۴۱۱۵۰ ریال بود که در سال ۱۳۹۰ به ۴۱۸۱۷۵۰ ریال افزایش یافته است که نشان دهنده رشد ۱۸/۱ درصدی است. با تکیه براین تعریف از خط فقر مطلق کل، شدت فقر مطلق از ۵۰/۹ درصد در سال ۱۳۸۷ به ۵۱/۳ درصد در سال ۱۳۹۰ افزایش یافته است. همچنین متوسط خط فقر نسبی طی دوره مورد مطالعه از ۱۸۹۸۶۶۰ ریال در ماه به ۲۵۶۸۰۸ ریال افزایش است. براساس خط فقر مذکور شدت فقر نسبی در سال‌های ۱۳۸۷ و ۱۳۹۰ تقریباً ثابت بوده و معادل ۲۰/۵ درصد بوده است.

از آنجایی که در آبا و احوال بر اهمیت فقر یاد آوری نموده‌اند و از نظر سیستمی فقر مهلک‌ترین عامل از هم‌گسیختگی انسجام اجتماعی است و وجود ملی است. با توجه به تکثر گرایی فرهنگی، مذهبی و زبانی در استان‌های حاشیه‌ای، لازم است دولت اهتمام ویژه‌ای به مناطق و نواحی حاشیه‌ای و محروم با توجه به زمینه‌های سیاسی و امنیتی که سال‌هاست در مناطق وجود داشته، تصمیماتی جهت کاهش فقر در پیش بگیرد. این رویکرد تصمیم‌گیری براساس تئوری واگرایی و همگرایی در مباحص سیاسی و منطقه‌ای قابل طرح است. در پایان با تکیه بر نتایج فوق و با توجه به

- اینکه مقابله با فقر جزو ضروریات اهداف هر برنامه توسعه بشمار می‌آید و می‌باید سیاست‌های لازم در تدوین برنامه‌های کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت مد نظر قرار گیرد، به این منظور اجرای موارد زیر پیشنهاد می‌گردد:
- ارزیابی توان‌های محیطی در راستای توانمندسازی استان کردستان و بکارگیری نیروهای محلی در این راستا.
 - تدوین برنامه ششم توسعه کشور با تاکید بر تقلیل شدت فقر و تدوین بودجه‌های سنواتی استان‌ها با این دیدگاه.
 - تدوین برنامه‌های کار آفرینی و حمایت منطقی دولت از اجرایی نمودن آن.
 - توسعه بازارچه‌های مرزی و کولبری به شکل رسمی.
 - توسعه صنایع تکمیلی و کارگاهی با توجه به پتانسیل و رتبه ۵ استان در زمینه‌های متولید محصولات کشاورزی.

منابع

- ابونوری، اسماعیل و ملکی، نادر. (۱۳۸۷). خط فقر در استان سمنان طی برنامه‌های توسعه (۱۳۸۷-۱۳۶۸). *فصلنامه رفاه اجتماعی*، ۷ (۲۸)، صص ۲۱۵-۲۳۷.
- بنی فاطمه، حسین و ایرانی، سعید. (۱۳۹۲). بررسی تطبیقی میزان فقر در مناطق شهر تبریز. *مطالعات جامعه‌شناسی*، ۲ (۷)، ۷-۲۲.
- پورموسوی، سیدموسی، امینی، میلاد و کیخا، مهدی. (۱۳۹۲). تاثیر اقتصاد سیاه بر فقر در مناطق شهری ایران. *برنامه‌ریزی و آمایش فضا (مدرس علوم انسانی)*، ۱۷ (۳)، ۴۵-۶۱.
- باقری، فریده و کاوند، حسین. (۱۳۸۹). اندازه‌گیری شدت فقر در ایران کاربرد شاخص SST. *فصلنامه رفاه اجتماعی*، ۵ (۲۰)، ۱۸۱-۱۹۲.
- بلاک، مارک. (۱۳۷۵). *اقتصاد دانان بزرگ*، ترجمه غلامعلی فرجادی، تهران: انتشارات وثقی.
- پیرایی، خسرو و شفیعی، شهریار. (۱۳۹۱). اندازه‌گیری فقر با تاکید بر خانوارهای شهری استان مازندران. *پژوهش‌های اقتصادی*، ۱ (۱۲)، ۲۲۳-۲۴۵.
- حسن‌زاده، علی. (۱۳۷۹). بررسی عوامل مؤثر بر فقر مطالعه موردی ایران. *پژوهش‌های اقتصادی ایران*، ۵-۴، ۱۳۵-۱۸۳.
- خالدی، کوهسار و پرمة، زوار. (۱۳۸۸). بررسی وضعیت فقر در مناطق شهری و روستایی ایران (۸۲-۱۳۷۵). *اقتصاد کشاورزی و توسعه*، ۱۳ (۴۹)، ۵۷-۸۲.
- خالدی، کوهسار، یزدانی، سعید و حقیقت‌جو شیرازی، اندیشه. (۱۳۸۷). مطالعه فقر روستایی ایران و تعیین عوامل مؤثر بر آن با تاکید بر سرمایه‌گذاری بخش کشاورزی. *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران*، ۱۰ (۳۵)، ۲۰۵-۲۲۸.
- خسروی نژاد، علی اکبر. (۱۳۹۱). برآورد فقر و شاخص‌های فقر در مناطق شهری و روستایی. *فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی*، ۳ (۶)، ۳۹-۶۰.
- زاهدی مازندرانی، محمد جواد و زاهدی عقبری، ابراهیم. (۱۳۷۵). روستاییان فقیر و آسیب پذیر. *اقتصاد کشاورزی و توسعه*، ویژه نامه فقر و آسیب پذیری روستایی، ۴، ۱۱-۸۶.
- شوبرت، دنات. (۱۳۷۵). فقر در کشورهای در حال توسعه. ترجمه تیمور محمدی، *مجله برنامه و بودجه*، شماره ۲.
- شکوری، علی و سعیدی، علی اصغر. (۱۳۹۳). فقر خانواده و زنان شهری (با تاکید بر کلانشهر تهران). *مطالعات جامعه‌شناسی شهری (مطالعات شهری)*، ۴ (۱۰)، ۷۳-۱۰۸.
- عرب مازار، عباس و حسینی نژاد، مرتضی. (۱۳۸۷). عوامل مؤثر بر فقر خانوارهای شاغل روستایی در ایران. *جستارهای اقتصادی*، ۱ (۱)، ۶۷-۹۴.
- عزیزی، منصور، موحد، علی، ساسان پور، فرزانه و کرده، نعمت. (۱۳۹۳). تحلیلی بر وضعیت فقر شهری (مطالعه موردی: شهر مهاباد). *اطلاعات جغرافیایی (سپهر)*، ۲۳ (۹۰-۹۱)، ۶۰-۶۹.
- گیدنز، آتونی. (۱۳۷۴). *جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبور، تهران: نشر نی.
- مرکز آمار ایران. (۱۳۹۰). *سالنامه آماری*، ۱۳۸۹، تهران.

- Townsend, P. (1985). A sociology approach to measurement of poverty: a rejoinder to professor Amartya Sen. *Oxford Economic papers*, 37 (4), 669-676.
- M. Kedir, Abbi & Girma Sourafel. (2005). *Quadratic Food Engel Curve with Measurement Error: Evidence from a budget Survey*, University of, Leicester uk.
- Sen, A. (1979), Poverty, an Ordinal Approach to Measurement. *Econometrical*, Vol. 44, No. 2.
- Townsend, P. (1985). Sociological Approach to Measurement of Poverty a Rejoinder to Amartya Sen, Oxford Economic Papers.
- World Bank. (1999). *A World Free of Poverty*. World development Report (1999) oxford university press for the World Bank.
- World Bank. (2008). *A World Free of Poverty*. World development Report (2008) oxford university press for the World Bank.
- [http://data.worldbank.org/products/wide-map\(2012\)](http://data.worldbank.org/products/wide-map(2012)).